فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۱ – ۲۸

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۱

واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان‌المسلمین تونس (النهضه)

هادی آجیلی [۱]
استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
مهدی بیکی [۲]
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۲/۱۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۳**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

جریان اسلام‌گرای معاصر در تونس بعد از انقلاب شاهد تحولات مهمی بوده است. مقالهٔ حاضر دگردیسی سیاسی جنبش النهضهٔ تونس در سال ۲۰۱٦میلادی و جدایی آن از اخوان‌المسلمین مصر را بررسی می‌کند. جنبش اخوان طی یک سده حیات خویش (۱۹۲۸ تاکنون)، گسست‌ها و انشعاباتی را در سطح رهبران و اعضاء تجربه کرده، اما جدایی اخوانی‌های تونس و جنبش النهضهٔ –که در همه این سال‌ها وفادارترین گرایش سیاسی به اخوان بوده‌اند– می‌تواند به منزلهٔ یک بحران سیاسی مهم برای جنبش اخوان قلمداد شود. در نتیجهٔ این رویداد، نفوذ سی‌ساله اخوان‌المسلمین در شمال آفریقا به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت و موقعیت این جنبش در دیگر سرزمین‌های عربی نیز با تزلزل روبه‌رو شد. این پژوهش با روش توصیفی – تبیینی، به دنبال پاسخگویی به این مسئله است که دلایل و زمینه‌های دگردیسی سیاسی و جدایی النهضهٔ تونس از اخوان‌المسلمین چگونه قابل ارزیابی است. یافته‌های این مقاله – با عنایت به رویکرد نظری «حداقل‌گرایی معرفتی در جنبش‌های اسلامی» – نشان می‌دهد که جنبش النهضهٔ به نوعی حداقل‌گرایی معرفتی پایبند است که براساس آن، رویکردی عمل‌گرا با التزام حداقلی به ارزش‌ها و اصول اسلامی را در پیش گرفته است. اتخاذ چنین رویکردی به آنان این امکان را داده که قدرت خویش را تثبیت کرده و در جهت تداوم حیات سیاسی و توسعهٔ آن گام بردارند. در این مسیر النهضهٔ در ارزش‌ها، هنجارها و انگاره‌های هویت‌ساز خود تجدیدنظر کرده و هویت و منافع جدیدی برای خود تعریف کرده که از جملهٔ آنها اعلام جدایی از اخوان و تبدیل از یک حرکت فراملی به حزب وطنی بوده است.

واژه‌های کلیدی: االنهضه، اخوان‌المسلمین، حداقل‌گرایی معرفتی، تونس، عمل‌گرایی.

1. hadiajili@yahoo.com
2. mehdibeiki@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مقدمه

پس از فتوحات اسلامی و ورود اسلام از طریق خاورمیانه و مصر به کشورهای آفریقایی، مسلمانان در تونس اقامت گزیدند. با تسلط سیاسی و نظامی یکصد سالهٔ فرانسه و تأثیرات فرهنگی سکولار و برخورد ایدئولوژی وام‌گرفته مدرن «بورقیبه» و سنت‌گرایی دینی نهاد حوزه زیتونیه در اواخر دهه ۵۰، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جدیدی در تونس رقم زده شد. جنبش اسلامی تونس (النهضهٔ) ریشه در برخورد ایدئولوژی مدرن «بورقیبه» در ذیل شعار جنبش آزادی بخش ملی و سنت‌گرایی دینی نهاد زیتونیه در اواخر دههٔ ۱۹۵۰م دارد. به عبارت دیگر، تاریخ جنبش اسلامی در تونس، تاریخ موازی یا متضاد بورقیبه یا در چارچوبی بزرگ‌تر خود غرب است (ابراهیم، ۱۳۸۵:۱۱-۱۰). اما اقدامات بورقیبه به رقم سکولار بودن هیچ‌گاه موجب انقطاع فکری جامعهٔ تونس با مبانی اسلامی نشد. سرانجام، این تضاد موجب شکل‌گیری نهضتی گسترده و خونین در هفدهم ژانویه ۱۹۶۱ شد که رجال مذهبی رهبری آن را بر عهده داشتند. این قیام مردمی به رهبری «عبدالرحمن خلیف» در سال ۱۹۶۱م به شدت سرکوب شد. در این شرایط وابستگی شدید اقتصادی و از میان رفتن کشاورزی و مهاجرت روستاییان به شهرها موجب ازدیاد فقر و شکاف طبقاتی در جامعهٔ تونس شد و این بحران جدی که ریشه در اختلاف طبقاتی، شکاف‌های اجتماعی و بستر تاریخی، فرهنگی و مذهبی داشت، زمینه را برای شکل‌گیری پایگاهی اساسی برای رشد جنبش اسلامی تونس پس از دو دهه سکوت فراهم کرد (ذوالفقاری،۱۳۹۰:۱۶). الغنوشی و دوستانش در سال ۱۹۷۱ اولین سنگ بنای جنبش النهضهٔ را بنا نهادند. این جنبش در دانشگاه سیدی یوسف تونس مخفیانه آغاز به کار کرد. در ادامه این جنبش، به انجمن حفاظت از قرآن کریم پیوست. با افزایش طرفداران در سال ۱۹۷۹م، مخفیانه به برگزاری جلسه افتتاحیه اقدام کردند. در این کنفرانس، جنبش، «جماعت اسلامی» نام گرفت و راشدالغنوشی به رهبری آن انتخاب شد. در سال ۱۹۸۱ جماعت اسلامی منحل و جنبش الاتجاهالاسلامی شروع به فعالیت کرد. در کودتای ۱۹۷۸م، ژنرال «زین العابدین بن علی» علیه بورقیبه جنبش از دولت کودتا حمایت کرد و آن را زمینه‌ساز ورود به مرحله جدیدی دانست و دولت تونس نیز در مقابل امتیازاتی همچون اعاده حیثیت و اعتبار مرکز دینی، بازگشایی دانشکده الزیتونه و تبدیل آن به دانشگاه الزیتونه را برای جنبش قائل شد (ذوالفقاری،۱۳۹۰:۳۵ ۳۱-). رژیم اقتدارگرای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

زین‌العابدین بن علی در دسته نظام‌های غیردموکراتیک تک حزبی با رقابت محدود قرار داشت. از جمله ویژگی‌های حکومت زین العابدین بن علی می‌توان به سرکوب مخالفان سیاسی، فقدان آزادی بیان، کنترل گسترده دولت بر رسانه‌های ارتباطی و خشونت پلیس در سرکوب مخالفان اشاره کرد (Alexander,2010:36). در سال ۲۰۱۱م، خودسوزی یک جوان تحصیل‌کرده و دوره‌گرد دستفروش، بهانه‌ای برای شعله‌ور شدن اعتراضات و نارضایتی‌های فروخورده‌شدهٔ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بخش‌های گسترده‌ای از جامعه تونس و جهان عرب شد. زین‌العابدین بن علی ابتدا دولت و مجلس را منحل کرد و سپس از قدرت کنار رفت و به عربستان سعودی گریخت. بعد از وی، حکومت جدید با محوریت اسلام‌گرایان النهضهٔ به حکومت رسید. اما النهضهٔ، از نهادینه‌کردن دموکراسی و سامان سیاسی مشروع، ناتوان ماند و نتوانست بحران‌های اقتصادی را مدیریت کند. این مشکلات، باعث تضعیف مشروعیت سیاسی تأسیسی و عملکردی حکومت شد و دولت جدید را به دولت شکننده تبدیل کرد. در نتیجه، جریانات سکولار از این فرصت استفاده کرده و با سازماندهی مجدد و سریع و نیز کسب مشروعیت اولیه در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در سال ۲۰۱٤م پیروز شدند. پس از شکست النهضهٔ در فرایندهای انتخاباتی و ناتوانی آن در تطبیق با اوضاع سیاسی جدید، تغییراتی در رویکردها و مواضع این جنبش ایجاد شد که این پژوهش با روش توصیفی – تبیینی براساس رویکرد عمل‌گرایانه النهضهٔ به ارزیابی و بررسی دلایل دگردیسی جنبش اسلام‌گرای النهضهٔ و مواضع اخیر آنها به‌ویژه تبدیل جنبش از حرکت فراملی به حزب ملی، حذف پسوند «اسلام سیاسی»، تکفیک دعوت و وعظ از دولت، اعلام جدایی از اخوان می‌پردازد.

در رابطه با پیشینهٔ موضوع این نوشتار، با موضوع اسلام سیاسی در تونس، برخی منابع قابل تأمل وجود دارد که به اجمال مهم‌ترین آنها عبارتند از: کتاب اسلام سیاسی در تونس: از مشت آهنین بن علی تا انقلاب یاسمین، شامل مجموعه مقالاتی از شخصیت‌ها و نویسندگان برجستهٔ تونسی است که با رویکرد توصیفی–تحلیلی به بازخوانی وضعیت اسلام‌گرایان به‌ویژه جنبش اسلامی النهضهٔ قبل و بعد از انقلاب یاسمین و آینده جریان اسلام‌گرایی در تونس پرداخته است. اثر دیگر نوشته فرانسوا بورجا، پژوهشگر فرانسوی با عنوان اسلام‌سیاسی: نگاهی به تاریخ و اندیشه حرکه النهضهٔ تونس، ترجمه سیدهادی خسروشاهی است که شامل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

گفت‌وگوهای مؤلف با رهبران و مؤسسان النهضهٔ در زمینه پیدایش و اندیشه این جنبش است. این اثر به طور عمده رویکرد توصیفی دارد و جنبه تحلیلی بالایی ندارد. اما پژوهشی دیگر با عنوان بحران مشروعیت و ناکارآمدی و ناکامی اسلام‌گرایان النهضهٔ در تونس، نوشته خلیل‌اله سردارنیا و رضا عمویی که با رویکرد تحلیلی به بررسی دلایل مؤثر در شکست اسلام‌گرایان النهضهٔ پرداخته و ریشهٔ آن را در بحران آمریت، بی‌ثباتی سیاسی و منسجم نبودن در حکومت ائتلافی با محوریت النهضهٔ، بحران کارآمدی و اقتصادی و خشونت‌گرایی اسلام‌گرایان سلفی افراطی دانسته است. به عقیده نگارندگان با توجه رویکرد نظری حداقل‌گرایی معرفتی النهضهٔ به آنان این امکان را داده که قدرت خویش را تثبیت کرده و در جهت تداوم حیات سیاسی و توسعهٔ آن گام بردارند. در این مسیر النهضهٔ در ارزش‌ها، هنجارها و انگاره‌های هویت‌ساز خود تجدیدنظر کرده و هویت و منافع جدیدی برای خود تعریف کرده است.

اما در مورد ضرورت پرداختن به مسئلهٔ مورد پژوهش باید گفت که مقاله‌ها و کتاب‌های موجود در زمینهٔ جنبش النهضهٔ به طور عمده با رویکرد توصیفی و کمتر تحلیلی نوشته شده‌اند یا اگر برخی مقالات دارای بُعد تحلیلی هستند، اما با استناد و استفاده از بنیان‌ها و مبانی نظری محکم نوشته نشده‌اند. بنابراین، با توجه به کاستی‌های مذکور در آثار موجود و تمرکز این مقاله بر تبیین موضوع دگردیسی النهضهٔ و دلایل و زمینه‌های این تحولات در قالب تقسیم‌بندی جنبش‌ها براساس دو شاخصِ «میزان انتظار از دین» و «نوع عملکرد»، این مقاله از نوآوری و ضرورت بالایی برخوردار است. روش تحقیق در این نوشتار از نوع تبیین روش توصیفی – تبیینی، با غلظت بالای بُعد تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

بحث مفهومی

براساس دو شاخصِ «میزان انتظار ازدین» و «نوع عملکرد» جنبش‌ها به سه گروه حداکثرگرا (حداکثرگرا در اعتقاد و رفتار)، حداقل‌گرای سیاسی (حداکثرگرا در اعتقاد و عمل‌گرا در رفتار) و حداقل‌گرای معرفتی قابل تقسیم می‌باشند.

در این میان، جریان حداقل‌گرای معرفتی – که جنبش النهضهٔ ذیل این گروه قرار می‌گیرد– معتقد است که باید حداقل انتظار از دین را داشت. اصل خاتمیت یا کامل بودن دین اسلام

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

را پذیرفته، ولی کامل بودن آن را مترادف با پاسخگویی آن به تمامی سؤالات بشری، دخالت در تمامی ابعاد حیات انسان و حاکمیت سیاسی همه‌جانبه نمی‌دانند. گروه‌هایی بسته، دُگم و تک بُعدی نیستند و می‌کوشند ضمن حفظ اعتقادات خود، از فرصت‌ها استفاده کرده و در پی پاسخ‌هایی مناسب برای شرایط و مشکلات محیطی باشند. به همین دلیل، اغلب شاهد برخورد فعالانه- و نه منفعلانهٔ آنها با مسائل روز و پرسش‌های جدید هستیم. این گرایش، به سازگار کردن ابعادی از دین با جنبه‌هایی از مدرنیته و باور به نقش کلیدی خرد معتقد است. حداقل‌گرایان معرفتی همچون گذشته به دنبال «دفاع از امر مقدس» هستند. در واقع، حداقل‌گرایان معرفتی، موافق فرایند سکولاریزاسیون و حداقل‌گرایان سیاسی مجبور به پذیرش آن هستند، اما نکته اساسی آنکه هر دو، همچنان منتقد سکولاریسم ذهنی (معرفتی) می‌باشند. (نبوی، ۱۳۹۰:۱۳۳)

به عبارت دیگر، زمانی می‌توان از جریان النهضهٔ با عنوان سکولار نام برد که اولویت به «دموکراسی»- و نه دموکراسی مشروط یا حداقل- داده شود. اگر سکولاریزم، به دو نوع سکولاریزم ذهنی (معرفتی) و سکولاریزم عینی (فرایند سکولاریزاسیون) تقسیم شود، چنان‌که سکولاریزم ذهنی تاکنون در جهان اسلام حاکمیت پیدا نکرده و این تجربه به قول «گلنر» اختصاص به دنیای غرب داشته است، اما گونه‌ای از سکولاریزاسیون، کم و بیش در کشورهای اسلامی قابل مشاهده است. در حقیقت، حزب النهضهٔ جریان حداقل‌گرایی اسلامی است که به فرایند سکولاریزاسیون گرایش داشته و آن را می‌پذیرد و حتی طبیعی و مطلوب می‌داند، اما به سکولاریزم ذهنی روی خوش نشان نمی‌دهد و همچنان در پی اثبات جایگاهی برتر، برای دین است (نبوی، ۱۳۸٤:٦٦). البته این نکته را باید یادآور شد که تجربه سکولاریزاسیون در کشورهای اسلامی با فرآیند سکولاریزاسیون مورد نظر حداقل‌گرایان متفاوت است. حداقل‌گرایان خواهان فرآیندی هستند که در آن، دموکراسی و مشارکت بر مبنای حقوق مساوی شهروندان و دخالت نکردن دو نهاد دین و دولت در حوزه‌های یکدیگر، تضمین شده باشد. هرچند بلافاصله یادآور می‌شوند که نمی‌خواهند مرجعیت نهایی دین را در برخی از ابعاد زندگی اجتماعی کنار بگذارند. در حالی که سکولاریزم تحقق‌یافته در اغلب کشورهای اسلامی از نوع دیگری است که می‌توان آن را «سکولاریزاسیون شرقی» نامید. در این تجربه، که در کشورهایی چون تونس و مصر، پیش از خیزش‌های مردمی ۲۰۱۱م، به خوبی قابل مشاهده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

است، کنترل نهادهای مذهبی در دست دولت است و این‌گونه نهادها گاه زیرمجموعه دولت به شمار می‌آیند. پس سکولاریزاسیون مورد نظر حداقل‌گرایان، در نقطهٔ مقابل آن چیزی است که دولتمردان می‌خواهند و از این‌رو، خطری برای آنان محسوب می‌شود. سکولاریزاسیون تحقق‌یافته در این کشورها با ماهیت و ساختار قدرت در آنها رابطه همبسته‌ای دارد. در حقیقت، می‌توان گفت که در ۲۰ سال گذشته، بسیاری از اعضای نسل دوم و سوم اخوان‌المسلمین نگرش بازتری نسبت به دموکراسی و هم‌سویی و همراهی قوانین بشری با قوانین شریعت داشته‌اند. حتی بعضی از اعضای جنبش ایدهٔ دولت اسلامی براساس قوانین شریعت را رد کرده و به جای آن از یک سیستم دموکراتیک همراه با تساوی حقوق شهروندان، با عقبهٔ اسلامی صحبت کرده‌اند. این افراد خودشان را با احزاب دموکرات مسیحی کشورهای اروپایی مقایسه کرده و دموکراسی را با حفظ هویت مذهبی خود می‌پذیرند (Vidino, 2011:7)

النهضهٔ در صحنهٔ سیاسی تونس

حرکت اتجاهٔ الاسلامی (النهضهٔ) در سال ۱۹۶۹میلادی توسط راشد الغنوشی در تونس تأسیس شد. راشدالغنوشی در سال ۱۹۳۹میلادی در جنوب شرقی تونس به دنیا آمد. وی به سبب مبارزات و فعالیت‌های سیاسی خود علیه حبیب بورقیبه و زین العابدین بن علی چندین بار دستگیر شد. شخصیت راشد الغنوشی برخاسته از یک گرایش و جهت‌گیری مشخص نبود، بلکه آمیخته‌ای از گرایشات مختلف بود. او از یک سو، به اخوان‌المسلمین و به ویژه افکار سیدقطب تمایل داشت و از سوی دیگر، تحت تأثیر اندیشه‌های سلفی «ناصرالدین البانی» در سوریه بود. راشد الغنوشی در زمان اقامت خود در سوریه در جلسات درسی البانی حاضر می‌شد. همچنین، او متأثر از کتاب‌های مالک نبی بود؛ چنان که در معرفی او می‌نویسد: «مالک نبی ایمان غزالی، گستردگی عقلی ابن خلدون و عزم حسن البناء را داشت» (فرمانیان،۱۹:۱۳۹۳). راشدالغنوشی به همراه عبدالفتاح مورو، صلاح‌الدین جورشی و حمیده النیفر، «جمعیت پاسدار قرآن کریم» را تأسیس کرد. در ٦ ژوئن ۱۹۸۱م در کنفرانس مطبوعاتی مهم‌ترین مبانی آن تشریح گردید که برجسته‌ترین آنها عبارت‌اند از: رد اصول سکولاریسم، ارتباط و پیوند این جنبش با تمام مسلمانان جهان، به رسمیت نشناختن قومیت عربی، نگرشی به مسئله فلسطین به عنوان «ثمرهٔ انحراف تمدنی و فرهنگی». آزادی فلسطین تنها از طریق

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

آزادی اعراب از بند استعمار و استثمار و ایجاد سازمان‌هایی میسر خواهد بود که بیانگر منافع توده مردم باشند (ذوالفقاری، ۳۳:۱۳۹۰).

الف) النهضه و مواجهه با احزاب داخلی

بعد از انقلاب ۲۰۱۱م، با برگزاری اولین انتخابات پس از سقوط زین‌العابدین بن علی، النهضهٔ به دلیل سازمان‌دهی منسجم توانست بیشترین تعداد کرسی‌های مجلس (۸۹ کرسی) را کسب کند و پس از آن، وظیفهٔ تشکیل اولین دولت سیاسی با سامان یک ائتلاف از دیگر گروه‌های سیاسی، را پس از انقلاب یاسمین[1] برعهده داشت. اما پیروزی النهضهٔ آزمون سخت و طاقت–فرسایی را در مقابل اسلام‌گرایان تونس قرارداد. چراکه آنها علاوه بر مهندسی فکری جامعهٔ تونس و رقابت با دیگر نیروهای سیاسی، در نظر داشتند که ارکان جامعه را از نو بسازند. لیکن حزبی که حدود دو دههٔ پیش، شیخ عبدالفتاح مورو و راشدالغنوشی، در واکنش به دولت‌های سرکوب‌گر تونس تأسیس کردند و متأثر از درگیری و مقابله شدید فکری و علمی در دانشگاه‌ها در میان اسلام‌گرایان و مارکسیست‌ها، تجربیات و تفکر سیاسی اجتماعی جنبش‌های اسلامی کشورهایی مانند ترکیه، سودان (ذوالفقاری، ۴۹:۱۳۹۰) و همچنین، انقلاب اسلامی ایران و حضرت امام(ره) بود (رحمانی، ۲۳۱:۱۳۹۱)، در نخستین انتخابات آزاد و منصفانهٔ کشور (اکتبر ۲۰۱۱م)، شبکه‌های محلی النهضهٔ و مخالفان دیکتاتوری به حزب کمک کردند تا بیشترین رأی را به خود اختصاص دهد. النهضهٔ، به‌قصد تشکیل دولت وحدت ملّی، وارد ائتلافی پیشگامانه با دو حزب سکولاری شد که سابقهٔ زیادی در سیاست معاصر دنیای عرب دارند. در دورهٔ پساانقلابی تونس، وقتی تنش‌ها بالا گرفت و ساختارهای دموکراتیک شکنندهٔ کشور به مخاطره افتاد، النهضهٔ پیش‌قدم شد تا به‌جای انتقام‌جویی و قبضهٔ قدرت راه را برای سازش و آشتی باز کند. در اثنای مذاکرات بر سر قانون اساسی جدید، نمایندگان پارلمانی النهضهٔ امتیازهای بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای دادند. با یک نظام ریاست جمهوری – پارلمانیِ مرکّب موافقت کردند. النهضهٔ در ابتدای امر خواستار نظامی صرفاً پارلمانی بود و قبول کرد که قانون اساسی جدید شریعت را به‌منزلهٔ یکی از منابع قانون‌گذاری اعلام نکند. به‌سبب تمایل النهضهٔ به مصالحه و کار در درون این نظام، قانون اساسی جدید سازوکارهای

۱. مردم تونس انقلاب خود را « یاسمین » نامیده اند، زیرا این گل خوشرنگ نماد احساس‌های بیدار شده و جلوه گری بهار است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

دموکراتیک، حاکمیت قانون و طیف کاملی از حقوق مذهبی، مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی را ارج نهاد (الغنوشی، ۱۳۹۵: ۷) اما النهضهٔ مرتکب دو اشتباه شد: نخست این حزب در نظر داشت که ارکان جامعه تونس را براساس ارزش‌ها و ایده‌های خود بسازد. در واقع، النهضهٔ این نکته را نادیده انگاشته بود که سطح عمومی جامعه تونس یکدست نیست. باید اشاره کرد که تونس، هم در دوره بن علی و هم بعد از آن دارای تکثر و تنوع بوده و این نکته از تعدد احزاب در این کشور کاملاً مشهود است. دوم نحوهٔ اداره و نوع رهبری حکومت موقت چه در داخل حزب و چه در خارج آن، به خصوص پس از دو ترور صورت گرفته[1] با انتقاد فراوانی روبه‌رو شده بود. لیکن اختلافات داخلی بین رهبران اصلی النهضهٔ چنان به اوج رسیده بود که باعث شد دو نفر از رهبران قدیمی حزب که در ابتدا متحدانی جدی بودند راه مستقلی را در پیش بگیرند و خود را برای ائتلاف با دیگر گروه‌ها آماده کنند. شیخ مورو، رهبر قدیمی در مصاحبه‌ای اعلام کرد کشوری که به میانه‌روی در میان کشورهای عرب شهرت دارد، اکنون میزان اسلام‌گرایی در آن افزایش یافته و به نظر وی اسلام مورد نظر النهضهٔ بسیار فراتر از تحمل جامعه تونس است (نبوی،۱۳۹۳: ٤٠).

بنابراین، النهضهٔ با اشتباهاتی که داشت وارد رقابتی شد که رقبای گذشته احزاب سکولار چپ و لیبرال با پنج دهه فعالیت و ریشه‌های فکری عمیق در سپهر سیاسی حضور داشتند و همچنین، هم‌پیمانان گذشته امروز تبدیل به رقیب شدند .(Roy, 2012: 45-89) رشد فزایندهٔ احزاب و گروه‌های سلفی پس از انقلاب یاس، چالش دیگری بود که اسلام‌گرایان النهضهٔ با آن روبه‌رو شدند و این مسئله تبدیل به یکی از دلایل انتقاد احزاب مخالف تونس به‌خصوص سکولارها علیه النهضهٔ شده بود. از جمله اینکه در برخورد با خشونت‌های سلفی‌های تندرو مسامحه به خرج داده و مواضع جدی اتخاذ نکرده است. برای مثال آنان از صدور مجوز قانونی برای دو حزب سلفی »حزب‌التحریر« و »جبهه‌اصلاحات« انتقاد داشتند. چالش دیگری‌که پیش روی النهضهٔ قرار داشت، مطالبات جوانانی بود که در آغاز انقلاب نقشی اساسی داشتند و اکنون در دوران پس از انقلاب، توجهی به خواسته‌های آنان از سوی دولت نمی‌شد (Arieff, 2012: 2-8). قبل از ترور شکری بلعید، درگیری‌های حزبی در سطح نخبگان درجریان بود، اما پس از آن چنین تحولاتی در حزب به وقوع پیوست: نخست نادیده انگاشتن آستانه تحمل جامعه تونس از سوی النهضه، دوم اختلاف درونی میان اسلام‌گرایان، سوم نادیده گرفتن دیگر

۱. شکری بلعید از رهبران چپ‌گرای تونس و محمد براهمی، دبیر کل جنبش الشعب تونس.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

احزاب و گروه‌های سیاسی تونس، چهارم نزدیکی به گروه‌های سلفی، پنجم عدم اولویت دادن به خواسته‌ها و مطالبات جوانانی که انقلاب یاس را شکل داده و سرانجام، در انتخابات رأی داده‌اند، ششم پس از ترور «محمدالبراهمی» و «شکری‌بلعید» و نزدیکی النهضهٔ به اعراب حاشیه خلیج‌فارس، چالش‌های حزبی افزایش یافت و اعتراضات خیابانی علیه آن شکل گرفت. (نبوی، ۴۲:۱۳۹۳) در حقیقت، پس از دومین ترور «محمدالبراهمی» مطالبات جوانان و آتش تکثر گروه‌های خواهان قدرت شعله‌ور شد و النهضهٔ در تونس مانند اخوان‌المسلمین در مصر با این اتهام روبه‌رو شد که اولویت و نیازهای اولیه جامعه را فراموش کرده و فقط به دنبال تثبیت خود و مستحکم نمودن شرایط سیاسی اجتماعیِ خود بوده است.

نکته دیگر در مورد کشور تونس این است که نخبگان النهضهٔ در نخستین روزهای زمامداری سعی در تحمیل ارزش‌های خود به جامعه داشتند و همین مسئله عاملی برای شکاف درونی گروهی شد. لیکن نخبگان این گروه با درس‌گیری از این متغیر تأثیرگذار و سرانجام اخوان‌المسلمین در مصر تلاش کردند که با اصلاح مواضع به بازی در جامعه تونس ادامه دهند .(Filiu, 2012: 40-62)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

دهمین کنگره جنبش اسلام‌گرای النهضهٔ و تغییر مواضع سیاسی

راشد الغنوشی رهبر حزب النهضهٔ در دهمین کنگره جنبش اسلام‌گرای النهضهٔ که از ۲۰ تا ۲۲ مه ۲۰۱۶م برگزار شد، اعلام کرد که این حزب عبارت «اسلام سیاسی» را از پسوند خود حذف خواهد کرد. این موضع را باید مکمل تصمیمات کنگرهٔ حزب النهضهٔ در بهار امسال (۲۰۱۶ میلادی) دانست که در آن راشد الغنوشی به صراحت بیان کرد که النهضهٔ دیگر یک جریان تبلیغی (دینی) نیست و به عنوان یک حزب سیاسی فعالیت می‌کند. این موضع‌گیری مباحث مختلفی را در رسانه‌ها و محفل‌های اندیشه‌ای پدید آورد و برخی از این تغییر، به عنوان سکولارشدن النهضهٔ یاد کردند. در حالی که الغنوشی اعلام کرد «ما به دنبال تفکیک دعوت از دولت هستیم» و این غیر از تفکیک دین از سیاست است. الغنوشی و همراهان او معتقدند که تونس و مصالح تونس بر مصالح النهضهٔ مقدم است و این یعنی اولویت مصالح ملی به مسائل جهان و نتیجهٔ یک تغییر بزرگ‌تر در اندیشه و عمل النهضهٔ. (فیرحی، ۴۶:۱۳۹۵)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

تغییر از جنبش به حزب

این تغییر موضع برگرفته از تغییر ماهیت فعالیت النهضهٔ است. النهضهٔ همچنان اسلام را الهام‌بخش خود و واجد نسخه برای حل مشکلات مختلف اجتماعی بشر دانسته و فعالیت‌های سیاسی را مغایر با دین نمی‌داند. اما مطابق نظر الغنوشی در رابطه با حرکت‌های اسلامی و حزب سیاسی، النهضهٔ از یک حرکت اسلامی به یک حزب سیاسی تغییر پیدا کرده است.

به نظر الغنوشی، حرکت‌های اسلامی، مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که با انگیزه اسلامی، برای پیاده کردن اهداف اسلام و ایجاد نوآوری در اسلام، کنترل و احاطه بر واقعیت‌ها و توجیه و اداره درست آنها به وجود آمده است. وی در این رابطه می‌گوید: «چون اسلام یک دین منعطف بوده و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها مناسب است، پس این ویژگی اقتضا می‌کند که احکام آن مطابق زمان و مکان تغییر کند و از اینجاست که راهبرد و نحوهٔ عمل حرکت اسلامی نیز با اختلاف زمان و مکان تغییر می‌کند. زمینه‌های کار در حرکت اسلامی و راه‌های دعوت اسلامی بسیارند مثل وعظ و ارشاد، علم و تربیت، عبادت و ذکر، تأسیس مؤسسات بهداشتی فرهنگی، خدمات اجتماعی دیگر. به عبارت دیگر، حرکت اسلامی برنامه‌ای وسیع‌تر از یک حزب سیاسی دارد» (علیخانی، ۱۵٤:۱۳۸٤). بنابراین، النهضهٔ می‌خواهد یک حزب باشد نه یک حرکت اسلامی و این یعنی حرکت از یک برنامه وسیع به یک محدودهٔ مشخص از فعالیت. این سازمان همهٔ فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی‌اش را رها کرده و حالا فقط بر سیاست متمرکز است (اسکندری،۳:۱۳۹۵). از جمله دلایلی که النهضهٔ حزب را بر جنبش اولویت داد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده: الغنوشی یکی از دلایل تحزب النهضهٔ را رسیدن به اهداف خود در برقراری نظام دموکراتیک می‌داند و تشکیل این حزب را واکنشی به سرکوب‌های رژیم سکولار اقتدارگرا می‌داند و می‌گوید: «چون دیگر حکومت، سکولاریسم را – از طریق سرکوب– تحمیل نمی‌کند به همین دلیل دیگر لزومی ندارد که النهضهٔ یا هیچ یک از دیگر بازیگران عرصهٔ تحولات تونس فعالیت سیاسی‌شان را بر دفاع یا حراست از دین متمرکز سازند»[1] (Ghannouchi, 2016) به نوعی وی دموکراسی و آزادی را مقدم بر

۱. برای مطالعه بیشتر به نشانی ذیل مراجعه فرمایید:
https://www.foreignaffairs.com/articles/tunisia/political-islam-muslim-democracy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

دعوت دینی می‌داند و معتقد است که آزادی شرایط را برای دعوت دینی فراهم می‌کند. راشد الغنوشی در این رابطه می‌گوید: «حوزهٔ گسترده‌ای از جنبش اسلامی، بزرگ‌ترین و شریف‌ترین خواستهٔ خود را آزادی و کسب آن بیان کرده‌اند، به طوری که علمای بی‌شماری از جمله شیخ یوسف قرضاوی آن را خواسته‌ای می‌دانند که بر اجرای شریعت مقدم است. به همین دلیل، اسلام‌گرایان خواستار تحقق عرصه‌های مختلف آزادی، از جمله انتخابات سالم با تکثر احزاب می‌باشند تا از این راه زمینه‌ای برای حضور، تأثیر و انجام اقدامات تبلیغی برای دعوت به سوی خدا به وجود بیاید» (الغنوشی،۲۰۱:۱۳۸۷). این جملات در کنار اظهارنظرهای دیگر راشد الغنوشی، این تصور را پدید می‌آورد که حکومت دموکراتیک برای وی از یک ابزار به یک هدف تبدیل شده است (علیخانی، ۷۱:۱۳۸۲) و از سوی دیگر النهضهٔ خود را به عنوان یک حزب در عرصه سیاسی تونس مطرح و برنامه‌های خود را به مردم عرضه می‌کند و خود را در معرض انتخاب قرار می‌دهد مانند دیگر احزاب سکولار و... البته در مقام مسلمان هنوز ارزش‌های اسلام را راهنمای عمل قرار می‌دهند.

ب) تفاوت‌گذاری بین النهضه و جریان‌های تندرو: یکی از پیامدهای اصلی پیروزی سیاسی النهضهٔ جاری شدن سیاست تحمل نسبت به گروه‌های سلفی بود که خود باعث ظهور پدیده فراگیر افراط‌گرایی در این کشور شد. زیرا بیشتر این گروه‌ها به شدت در دوران زین‌العابدین بن علی سرکوب می‌شدند ولی در دوران حکومت النهضهٔ در بیان ایده‌ها و برنامه‌های سیاسی خود آزاد بودند (Moniquet, 2013: 20). اما بعد از یک سلسله حوادث در این کشور به‌ویژه بروز دو حادثه تروریستی، دولت هدف انتقادات از طرف گروه‌های مختلف قرار گرفت (فوزی، ۱۲۹:۱۳۹۲). به همین دلیل الغنوشی در مصاحبه‌ای که با لوموند داشت، به این مطلب اشاره کرد که ادعایی نسبت به اسلام سیاسی ندارد (عباسی، ۱۳:۱۳۹۵). اصطلاح اسلام سیاسی، اصطلاحی جدید است که در برابر اسلام سنتی پدید آمده و به دنیای مدرن تعلق دارد (بهروزلک، ۱۳۸٦)[1]. ذیل این عنوان از ایران تا القاعده قرار می‌گیرند. انقلاب اسلامی داعیه‌دار به میدان آوردن دین در عرصه اجتماع بود و مبتنی بر اندیشه دینی، حکومت و مردم‌سالاری دینی را تشکیل داد. از سوی دیگر، گروه‌های مختلفی همچون طالبان و داعش نیز مدعی تشکیل دولت و حکومت اسلامی هستند و غرب برای همه آنها اسلام سیاسی را

۱. برای مطالعه بیشتر به نشانی ذیل مراجعه فرمایید: http://ensani.ir/fa/content/63611/default.aspx

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

برگزیده است. به نظر می‌رسد که الغنوشی از منظر غربیان به جهان اسلام نگریسته است.

وی در پاسخ به خبرنگار لوموند می‌گوید: «ما معتقدیم که اسلام سیاسی، (هرچند ما ملاحظاتی در مورد این عبارت غربی داریم)، واکنش به دو چیز بود. اول، علیه دیکتاتوری و بعد علیه افراط‌گرایی سکولار. انقلاب سال ۲۰۱۱م، هم دیکتاتوری و هم افراط‌گرایی سکولار را پایان داد. دیگر هیچ توجیهی برای اسلام سیاسی در تونس نیست. علاوه بر این، مفهوم اسلام سیاسی با افراط‌گرایی گروه‌هایی نظیر القاعده و داعش تغییر چهره داد. به این ترتیب، ضرورت شفافیت تفاوت میان دموکراسی اسلامی که ما مدعی آن هستیم و افراط‌گرایی جهادی که می‌خواهیم میان خود با آن فاصله نهیم را نشان می‌دهد. ما مسلمانان دموکرات هستیم که دیگر مدعی اسلام‌سیاسی نیست» (عباسی، ۱۳۹۵:۱۳). الغنوشی تأکید می‌کند که یکی از مطلوب‌ترین ابزارهای مبارزه با تروریسم، ترویج اسلام میانه‌رو است، زیرا تروریسم بر پایهٔ توجیه افراطی از اسلام بنا می‌شود و به این دلیل النهضهٔ، برای تروریست‌ها بسیار خطرناک به نظر می‌رسد، چراکه با آنها در همین عرصه (اسلام) مبارزه می‌کند و اطمینان می‌دهد که کشتاری که آنها به راه می‌اندازند، هیچ سنخیتی با جهاد ندارد، بلکه تروریسم و جنایت است. رهبر النهضهٔ، با طرح الگوی اسلامی تونس به عنوان جایگزینی برای داعش، تأکید می‌کند «ما حکومت را حفظ و از سقوط کشور به ورطه کابوس و مصیبت یا تروریسم، جلوگیری کرده‌ایم» (اسکندری، ۱۳۹۵:۶).

ج) معرفی النهضه به عنوان یک حزب پیشرو: طبق نظر الغنوشی، «فقدان الگوی اجتماعی اسلامی که شاهدی بر عدالت و رحمت اسلام و قدرت آن برای جلب همه دستاوردهای تمدنی باشد، چیزی است که چهره اسلام را در معرض خطر قرار می‌دهد. ربط دادن اسلام با تروریسم، خصومت با هنرهای زیبا و دموکراسی و صلح و آزادی زن و حقوق بشر همه برخلاف چهرهٔ دین است، زیرا دین برای مصالح بندگان و برای تکامل مکارم اخلاق آمده است و از منظر دین همه انسان‌ها با هم برادر هستند» (اسماعیلی، ۱۳۹۳:۲۵۲). النهضهٔ، در پی دکترین حکومت مدنی است و مدل حزب عدالت و توسعه ترکیه را با توجه به انتظارات عمومی اسلام‌گرایان در تونس اجرا می‌کند. در نظرسنجی بین تونسی‌ها درباره مدل حکومتی، ۶۳ درصد تونسی‌ها، ترکیه سکولار را به عنوان حکومت ایده‌ال انتخاب کرده‌اند، در حالی

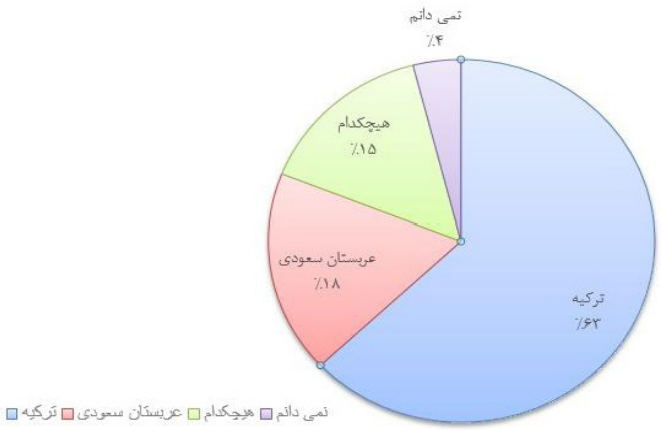
[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

که فقط ۱۸ درصد عربستان سعودی و ۱۵درصد ترکیه هیچ کدام از این دو مدل ترکیه و عربستان را مناسب نمی‌دانند. در این نظرسنجی، جوانان و قشر تحصیل‌کردهٔ تونس، ترکیه را به عنوان مدل حکومتی انتخاب می‌کنند. به عبارت دیگر، النهضهٔ نظام ترکیه را به عنوان یک الگوی مناسب برای خود تلقی می‌کند (Kohut,2012:33). هرچند ملاحظاتی نیز در این رابطه دارند، این نکته اغلب در مصاحبه‌های الغنوشی مشهود است. او با الگوبرداری از تجربهٔ حزب عدالت و توسعه ترکیه در پی نشان دادن تعهد النهضهٔ به دموکراسی بوده و با طرح تجربه ترکیه به عنوان الگویی برای اسلام‌گرایان تونسی سعی کرد رویکرد حزب خود به مسائل داخلی و خارجی را با تجربه اسلام‌گرایی میانه‌رو در ترکیه مشابهت‌سازی کند و بدین وسیله نشان دهد که تعهد وی و همفکرانش به دموکراسی امری واقعی و راهبردی است، نه ساختگی و تاکتیکی. النهضهٔ حزبی است که ارزش‌های اسلامی را راهنمای عمل خود قرار می‌دهد. النهضهٔ خود را یک حزب اعلام کرده است که در سیاست تخصص دارد و به نوعی تغییر از یک حرکت اسلامی با مسئولیت‌های گسترده اجتماعی به سمت حزب سیاسی بوده است. الغنوشی برای بهره‌وری از اصول اسلامی در پیوند با دموکراسی، اصل شورا را برگزیده است. مفهوم شورا جایگاه مهمی در اندیشه او داشته و به عقیده وی بعد از نص، دومین اصل برای تشکیل حکومت اسلامی است و به همراه شریعت، مشروعیت حکومت اسلامی را تأمین می‌کند (الغنوشی، ۱۰۸:۱۹۹۳). الغنوشی دموکراسی را یک روند فراگیر آموزشی تلقی می‌کند نه یک فلسفه و ایدئولوژی. از این‌رو، آن را بهترین روش برای اجرای مفهوم شورا می‌داند و از این منظر حکومت اسلامی یک وسیلهٔ مدنی است که با دموکراسی امروزی جز در بُعد اخلاقی آن تفاوتی ندارد (علیخانی، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۱). الغنوشی در بسیاری از کتاب‌هایش بر امکان و ضرورت آشتی میان اسلام و ارزش-های جدید مانند دموکراسی، حقوق بشر و حقوق زن اصرار دارد. وی با این گفتمان از گروه‌های جهادی متمایز می‌شود (اسماعیلی، ۲۵۳:۱۳۹۱)[1].

۱. به عنوان مثال کتاب الحریات العامه فی الدوله الاسلامیه،کتاب مقاربات فی العلمانیه و المجتمع المدنی و کتاب المراه بین القرآن و واقع المسلمین حق الاختلاف و الحوار.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]



نمودار ۱. نظرسنجی درباره مدل حکومتی مطلوب تونسی‌ها

تعلیق رابطه با اخوان‌المسلمین

اندیشهٔ اخوانی نمایانگر مرجعیت اصلی در ادبیات جنبش اسلامی تونس است به نحوی که رسانه‌ها، طرفداران این سازمان را «اخوانجیه» (منسوب به اخوان‌المسلمین) نامیده و آنها را متهم می‌کردند که در پوشش دین سعی در کسب اهداف سیاسی دارند (عوض‌پور، ۲۰۹:۱۳۹۳). با وقوع انقلاب ایران، این مرجعیت متنوع و دارای ابعاد متعددی شد. به گونه‌ای که این انقلاب به پدیده اسلام سیاسی در جهان عرب تحرک اساسی بخشید. اخوان و النهضهٔ بعد از انقلاب‌های عربی فصل جدیدی از حیات سیاسی را آغاز کردند که به دوران طولانی زندان و تبعید آنها پایان داد و راشدالغنوشی و بعد از او رهبران جماعت اخوان یکی پس از دیگری به صحنه قدرت سیاسی بازگشتند. اما تاکتیک‌ها و تفکرات آنها بعد از به قدرت رسیدن، نتایجی کاملاً متفاوت در پی داشت. در حالی که الغنوشی در نقش رهبری النهضهٔ در مسیر پراگماتیسم گام نهاد و دست ائتلاف به گروه‌های لیبرال و سکولار داد، اما اخوانی‌های مصر با تشکیل دولت تک‌حزبی عملاً مقابل همه احزاب و نهادهای سیاسی و نظامی مصر قرار گرفتند. بدین ترتیب، در حالی که النهضهٔ در تونس به قدرت رسید، اما دولت اخوان المسلمین مصر در بحران‌های سیاسی قاهره و کودتای نظامیان بعد از یک‌سال سقوط کرد. راشد الغنوشی، از زمرهٔ رهبران مدعی وحدت جنبش‌های اسلامی بود. او به رسم تحفظ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

و خویشتنداری در میان رهبران اخوان شهره بود. به گونه‌ای که تا به امروز از علنی‌کردن اختلاف‌ها و تضادهای درون جنبش اخوان پرهیز می‌کرد. اما زمزمه انتقادهای رهبر النهضهٔ از مشی جدید اخوان از دو سه سال پیش به این سو، به گوش می‌رسید. به ویژه از زمانی که رهبران اخوان با سکوت و محافظه‌کاری راه رشد و قدرت‌یابی گروه‌های افراطی را با عنوان «جهادیون» هموار کردند (شهمرادی،۱۳۹۵:۱۳)[۱].

در یک نگاه، بخشی از تغییر رویکرد النهضهٔ در سال‌های اخیر را باید ناشی از مشاهدهٔ شکست یا تجربه ناموفق عموم جنبش‌های اسلامی در سیاست‌ورزی یا حکومت دانست. به طور یقین، اخوان‌المسلمین مصر که یکی از الگوها و حداقل یکی از جنبش‌های انگیزه‌بخش النهضهٔ بود، بعد از شکست در عرصهٔ مصر، جذابیت خود را از دست داد و به تجربه تبدیل شد (داورپناه، ۵۱:۱۳۹۵). الغنوشی در نامهٔ خود به اخوان، عضویت خود در نشست‌های مشترک با این گروه را، به حال تعلیق در آورد و اعلام کرد که اخوان به دنبال ویرانی میهن و ملت خود است و به همین دلیل، راه اخوان از راه النهضهٔ جداست، زیرا النهضهٔ بر خلاف اخوان، به میهن خود اهمیت می‌دهد. وی در ادامه، با خطاب به اخوان‌المسلمین مصر بیان می‌کند که متأسفانه شما ثابت کردید که نیرنگتان فاش شده است و با گروه‌های تروریستی هم پیمان شده‌اید تا میهن‌تان را ویران کنید. شما را به خدا و برای آخرین بار قسم می‌دهم که واقعیت‌ها را به‌طور جدی بررسی کنید و اشتباه رؤسای خود را تکرار نکنید. هر کدام از شما واقعیت‌ها را به خوبی ببینید، ببینید چگونه دو دسته یا حتی چند دسته شده‌اید و در کشورهای بسیاری در انزوا قرار گرفته‌اید در حالی که شما روی آغوش ملت حساب کرده بودید، در این مقطع ممکن نیست روی آغوش ملت حساب کنید بدون اینکه هویت ملی را در نظر بگیرید، به کجا می‌روید؟ در میهن و ملت‌هایتان تقوا پیشه کنید» (الغنوشی،۲۰۱۶)[۲].

به‌رغم موضع‌گیری جدید حزب النهضهٔ، به نظر برخی از متفکران و تحلیلگران تونسی مواضع اخیر النهضهٔ به دلایل تاکتیکی است. زیرا بعید به نظر می‌رسد که النهضهٔ به راحتی از مواضع و تفکرات اخوانی خود که سال‌های سال برای آن مبارزه کرده است، دست بکشد. زیرا آنها در گذشته نشان دادند که به تعهدات خود پایبند نیستند، همچنان که به تعهدات

۱. . برای مطالعه بیشتر به این نشانی مراجعه فرمایید:
http://www.iran-newspaper.com/?nid=6226&cattitle=Polotic&pid=13&type=0

۲. . برای مطالعه بیشتر به این نشانی مراجعه فرمایید:
http://www.alhaya.ps/ar_page.php?id=15013c8y22025160Y15013c8

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

خود در انتخابات ۲۰۱۱م پایبند نبودند و همچنین، تجدیدنظر ایدئولوژیک و عمیق فکری در آنها که براساس ایده خلافت اسلامی می‌باشد، دیده نمی‌شود و در نهایت، روابط بین‌المللی مشکوک النهضهٔ، این جنبش را به سمت جریان‌های ارتجاعی و مخالف با دموکراسی سوق می‌دهد (مروهٔ، ۲۰۱٦:۱٦). همچنین رویکرد جدید النهضهٔ برخلاف دیدگاه اسلامیِ جمعیت اخوان‌المسلمین است زیرا براساس عقیده –حسن البنا– بنیانگذار آن، حوزه سیاست و دین از یکدیگر جدا نیست و این دو از پایه در هم تنیده‌اند و کسی که برخلاف آن معتقد باشد، منشأ فساد و تباهی در اسلام می‌گردد. (البنا، ۱۹۷۸:۲٤)

اعلام جدایی از اسلام سیاسی

درخصوص دلایل سخنان اخیر راشد الغنوشی مبنی بر جدایی از اسلام سیاسی، به نظر می‌رسد سه رویداد در داخل تونس و سه تحول منطقه‌ای سبب موضع‌گیری‌های جدید النهضهٔ شده است. به لحاظ داخلی وضعیت نامناسب اجتماعی و اقتصادی در تونس را شاهد هستیم که همچنان با میزان بالایی از بیکاری، حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آنها روبه‌روست. رشد اقتصادی تونس، در سال ۲۰۱۵م یک درصد بود و میزان بیکاری هم به ۱۵.۲ درصد افزایش یافته است. بیکاری در میان جوانان تونسی ۳ برابر میزان کلی بیکاری در این کشور است (Worldbank,2015)[1]. این در حالی است که تجربه دولت‌داری النهضهٔ در دوره «حمادی‌الجبالی» و «علی العریض»، موفقیت‌آمیز نبود و سبب شد این حزب کرسی‌های زیادی را در خلال انتخابات پارلمانی (۲۰۱٤) از دست بدهد. بنابراین، النهضهٔ برای حفظ خود در عرصه سیاسی و اجتماعی ناچار بود خود را با وضعیت فعلی تونس وفق دهد تا بتواند پاسخگویی بهتری داشته باشد.

نکته دوم خطر رادیکالیسم اسلامی در تونس است که از نابسامانی حاکم بر کشور همسایه، یعنی لیبی تغذیه می‌کند و در عین حال بازگشت تونسی‌ها از جبهه‌های سوریه نیز به این مسئله دامن می‌زند. به یاد داشته باشیم تونس با حدود ۷ هزار جنگجو جزء کشورهایی است که بالاترین میزان حضور نیروهای خارجی را در میان صفوف حکومت اسلامی (داعش)

۱. برای اطلاعات بیشتر به این نشانی مراجعه فرمایید:
http://www.worldbank.org/en/country/tunisia

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

داراست (CARYL, 2016)[1] که بازگشت هر تعدادی از آنها می‌تواند دموکراسی نوپای آن کشور را با تهدید روبه‌رو کند؛ پس النهضهٔ ناگزیر بود در برابر خطر یک رقیب بنیادگرا و آشتی‌ناپذیر نیز چاره اندیشی کند.

مسئله سوم اختلاف‌نظرها نسبت به وضعیت داخلی جمعیت النهضهٔ بود که رهبران این حزب را ناگزیر می‌کرد برای گرایش‌ها و نیازهای نسل جدید داخل جمعیت، فکری بکنند تا جمعیت دچار خطر رکود یا پیرسالاری نشود. در عین حال سه مسئله مهم دیگر نیز برای رهبران النهضهٔ به ویژه الغنوشی مطرح بود:

۱. تجربه مصر، لیبی، سوریه و پیامدهای آن که اسلام‌گرایان میانه‌رو نتوانستند برای وضعیت این سه کشور پاسخ مناسبی فراهم کنند تا همچنان پیشتاز باشند. در این زمینه شکست اخوان‌المسلمین مصر تجربه‌ای عظیم برای همگنان آن در تونس به شمار می‌آمد.

۲. تلاش برای آنکه دموکراسی نوپای تونس بتواند به عنوان یک الگوی موفق همچنان پایدار بماند. تونس، پیشتاز تحولات عربی در سال ۲۰۱۱م بود و فعلاً تنها کشوری است که دچار بحران ناامنی گسترده و جنگ نشده است. بنابراین، رهبری النهضهٔ نمی‌خواهد تصمیمی بگیرد یا اقدامی انجام دهد که به این دموکراسی نوپا آسیبی برسد. زیرا در آن صورت همچنان که تجربه مصر نشان داد، وضعیتی غیردموکراتیک و اقتدارگرایانه حاکم خواهد شد که در این شرایط برای النهضهٔ نیز هیچ‌گونه فرصت بازیگری وجود نخواهد داشت.

۳. باید به تجربه شکست‌خورده اسلام سیاسی در منطقه هم اشاره کرد. به‌رغم گذشت چند دهه از فعالیت گرایش‌های گوناگونی با عنوان «اسلام‌گرایی یا اسلام‌سیاسی» در قالب‌های مختلف رسمی و غیررسمی، تاکنون هیچ یک دستاورد خاص و قابل توجهی به ویژه به لحاظ بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی ارائه نداده‌اند. طبیعی است که النهضهٔ نمی‌توانست خود را ادامه‌دهنده این تجربیات بداند، بلکه به ناچار خود را ادامه‌دهندهٔ دو تجربه به نسبت موفق در ترکیه و مراکش معرفی می‌کرد (نبوی، ۱۳۹۵)[2].

مجموعه عوامل یادشده رهبری النهضهٔ را به تدریج به این نتیجه رساند که تلاش کنند تا

---

۱. برای اطلاعات بیشتر به این نشانی مراجعه فرمایید:
why-does-tunisia-produce-so-many-terrorists-nice-france-truck-/15/07/http://foreignpolicy.com/2016
(04/01/terrorist-attack/(last accessed 2017

۲. برای اطلاعات بیشتر به این نشانی مراجعه فرمایید:
http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/3029/.aspx

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

حزب به عنوان یک حزب سیاسی، ملی و دموکراتیک فعالیت کند که البته خود را الهام‌گرفته از ارزش‌های دینی، دستاوردهای بشری و ارزش‌های والای آن دانسته و معرفی می‌کنند. بنابراین، النهضهٔ که همواره یک حزب یا یک بخش از جریان اسلام‌گرایی میانه‌رو شناخته می‌شد و مرز روشنی میان خود و گروه‌های رادیکال اسلامی کشیده بود، همچنان به عنوان یک گروه اسلامی میانه باقی مانده که از این پس به ابعاد ملی‌گرایانهٔ فعالیت خود تأکید دارد و خود را یک جمعیت یا حزب فراملی نمی‌داند یا در این چارچوب فعالیت نمی‌کند. همچنین، از آنجایی که النهضهٔ خود را وفادار به قانون اساسی تونس و دستاوردها و ارزش‌های انسانی می‌داند، شاید بتوان از تعبیر سکولاریسم اسلامی برای این اقدام الغنوشی استفاده کرد، هرچند رهبرانش به طور رسمی و علنی چنین تعبیری را برای خود به کار نبرده‌اند. البته آنان اخوان‌المسلمین را به خروج از میانه‌روی و غلطیدن به سمت رادیکالیسم متهم می‌کنند. چنانچه به تجربه مراکش و ترکیه که النهضهٔ خود را ادامه‌دهنده این دو تجربه می‌داند، نیز توجه کنیم می‌توان گفت این گروه یا جمعیت همچنان یک حزب اسلام‌گرای میانه‌رو به شمار می‌رود که مسئله دموکراسی برای آن از اهمیت و اولویت برخوردار است.

در این میان باید توجه داشت که النهضهٔ از شرایط فرهنگی و سیاسی تونس بهره گرفته است و تصمیم این حزب یک گام سنجیده، درست و عاقلانه در شرایط موجود و تکثر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن کشور به شمار می‌رود. در واقع، تکثر و تنوع در تمامی کشورهای منطقه خاورمیانه وجود دارد و مشکل اغلب احزاب، گروه‌ها و جنبش‌های اسلام‌گرای منطقه نیز نادیده گرفتن همین امر و تلاش برای سرکوب و یکسان‌سازی دینی است. البته بعدها، امکان نگرانی پیشروی النهضهٔ مشابه تجربه ترکیه به سمت اقتدارگرایی وجود دارد؛ یعنی مجموعه تصمیمات و اقدامات اردوغان که سبب شده است راستین بودن چنین فعالیت‌هایی مورد تردید و سؤال قرار بگیرد. اگرچه هنوز شاید برای قضاوت زود است، به هرصورت می‌توان گفت وضعیت مدرن، آزاد و متکثر تونس بی‌تردید در اتخاذ تصمیمات جدید النهضهٔ بی‌اثر نبوده است.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که راشدالغنوشی تلاش می‌کند به جهان و، به ویژه، غرب نشان دهد که گرایش غالب بر کشورهای اسلامی، بنیادگرایی نیست. البته قبلاً فعالیت‌هایی در مراکش، ترکیه، مصر و اردن توسط اسلام‌گرایان میانه‌رو صورت گرفته بود و آنها به ویژه، در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

دهه ۱۹۹۰ میلادی می‌کوشیدند خود را به عنوان منادی اسلام راستین معرفی کنند، اما ناتوانی اخوان‌المسلمین مصر از درک شرایط جدید این کشور و منطقه از یک طرف و اوج‌گیری فعالیت گروه‌های تروریستی مانند حکومت اسلامی (داعش) و جبهه النصره در سوریه، عراق و لیبی و افزایش فعالیت گروه‌های وابسته به القاعده در یمن از طرف دیگر، سبب شد صدای اسلام‌گرایی میانه و در منطقه تا حدود زیادی تضعیف شود. بنابراین، مجموعه تصمیمات کنگرهٔ دهم النهضهٔ که در قالب جملات و کلمات اندیشیده شده الغنوشی بیان شده است، تلاشی در رقابت با اسلام‌گرایی رادیکال است تا خود را به عنوان منادی اسلام راستین بازآفرینی و احیا کند و نشان دهد که قدرت درک شرایط جدید و نیز قدرت پاسخگویی به مشکلات را در داخل تونس دارند.

سرانجام، میان النهضهٔ در تونس و اخوان‌المسلمین و همچنین گروه‌های بنیادگرای اسلامی تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. گروه‌های رادیکال اسلامی همواره در پی اسلامیزاسیون از بالا هستند؛ یعنی تلاش می‌کنند ابتدا قدرت سیاسی را به هر شکل ممکن از جمله شیوه‌های خشونت‌آمیز به دست آورند، سپس به اسلامی‌سازی جامعه و تحمیل یکسانی و انسجام مصنوعی اقدام کنند. گروه‌های میانه‌روی اسلامی مانند اخوان‌المسلمین و النهضهٔ پیش از کنگره دهم، همواره به دنبال اسلامیزاسیون از پایین بوده‌اند؛ یعنی ابتدا جامعه اسلامی شود و سپس با در دست گرفتن قدرت سیاسی به شیوه مسالمت‌آمیز برای تأسیس یک دولت یا حکومت اسلامی تلاش صورت بگیرد.

النهضهٔ در دهه‌های اخیر همواره خود را جزئی از اسلام‌گرایی میانه‌رو معرفی کرده و کوشیده پایگاه قدرت خود را درون جامعه معرفی کند. این جریان سعی‌کرده برای کسب قدرت به شیوه مسالمت‌آمیز فعالیت کند، هرچند که بعد از سرنگونی بن علی در سال ۲۰۱۱م، النهضهٔ به این مشی وفادار مانده است. اتفاق مهم در جریان این کنگره و موضعگیری‌های راشد الغنوشی بیانگر ظهور النهضهٔ به عنوان یک حزب سیاسی و نه یک جمعیت صرفاً مذهبی است. البته این حزب سیاسی خود را وامدار دین اسلام و دستاوردهای فعالیت‌های بشری می‌داند، اما خط تمایز روشنی بین فعالیت‌های دینی و فعالیت‌های سیاسی کشیده است. النهضهٔ با توجه به آن تجربه و همچنین نگرانی اوج‌گیری رادیکال‌های مسلمان در لیبی، سوریه، عراق و یمن سعی کرده خود را با شرایط جدید منطبق کند و نشان دهد که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

توانایی الگو بودن را برای فعالیت‌های اسلام‌گرایانه در منطقه دارد. اکنون النهضهٔ بین فعالیت داخلی و خارجی خود و همچنین بین دعوت مذهبی و فعالیت سیاسی یکی را انتخاب کرد و آن فعالیت داخلی و سیاسی است. به این معنی که النهضهٔ دیگر مثل یک جماعت در درون شبکه‌های اخوانی نیست، بلکه اکنون تبدیل به یک حزب ملی در تونس شده است که پایگاه مذهبی دارد.

عمل‌گرایی سیاسی

اگرچه اندیشمندان مختلفی مانند ویلیام جیم[1]، جان دیویی[2] و به ویژه، ریچارد رورتی[3] درباره «پراگماتیسم[4]» سخن گفته‌اند، اما آنچه نقطه وصل آنها به یکدیگر است، اعتقاد به اصل سودمندی، فواید و نتایج اندیشه‌ها و افکار است. از این‌رو، این اعتقاد با تأکید بر زندگی عملی تحکیم می‌شود. اصل اساسی پراگماتیسم این است که انسان‌ها باید خود را در معرض تجدیدنظرها و تغییرات آینده در شیوهٔ زندگی، تفکر و اخلاقیات خود قرار دهند. به این معنا پراگماتیسم فلسفهٔ تجربه و آزمون، بازسازی مکرر، رهایی از گذشته‌ها و سنت‌های دست وپاگیر است (بشیریه، ۱۳۸٤:۲۵۱). به طور دقیق، از همین روست که پراگماتیسم با بازگشت به امور عملی در سیاست وزنهٔ نظریه‌پردازی را سبک‌تر می‌کند و به جای قوانین علمی بر تجربه‌های بشری تأکید می‌کند (معینی،۱۳۹۱:۲۱۵). چنان که بسام طیبی می‌نویسد: اسلام‌گرایان میانه‌رو که بیشتر به سمت عمل‌گرایی تمایل دارند، بیشتر به اسلام به عنوان یک «نظام فرهنگی» می‌نگرند که تولیدکنندهٔ معنا و نمادهای فرهنگی است که با طرح امکان همسویی عقلانیت اسلامی و عقلانیت مدرن، کار خود را از دو سو دنبای می‌کنند: الف) انتقاد از هژمونی غرب، نه نفی کامل آن؛ ب) تأکید بر تحول و انطباق فرهنگی با مدرنیته (Tibi,2003:Px-xi).

تجربه حکومت‌داری النهضهٔ و تحولات همزمان آن و مرور ادبیات راشد الغنوشی طی سال‌های گذشته، میل به عمل‌گرایی سیاسی را در آن نشان می‌دهد. در حقیقت، النهضهٔ به ویژه

1. William James
2. John Dewey
3. Richard Rorty
4. pragmatism

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

پس از واگذاری حکومت، خود را نیازمند بازنگری در تجارب گذشته و تطبیق و سازگاری با شرایط جدید می‌داند. همزمان، النهضهٔ با آنچه برای اخوان المسلمین مصر رخ داد، چه‌بسا به این درک رسیده است که آینده‌ای برای اسلام سیاسی در کشورش و آینده‌ای برای این جنبش خارج از چارچوب میهنی وجود ندارد. از سوی دیگر، افزایش افراطی‌گری و تحرکات نیروهای اسلامی سلفی و تکفیری، که با زمامداری دولت ترورییکا[1] توسط النهضهٔ همزمان بود، انتقادهایی را نسبت به این جنبش برای میدان دادن به این جریان به همراه داشت. افزایش تحرکات این جریان به ویژه در تونس، النهضهٔ را به عنوان یک جنبش اسلامی میانه‌رو به فاصله گرفتن از آنها و حرکت به سوی تغییر و سازگاری بیشتر با محیط و نزدیکی به دیگر احزاب سوق داد (عربشاهی، ۲:۱۳۹۵). در واقع، تمایل النهضهٔ برای بازی در چارچوب قانونی تونس و به طور مشخص قانون احزاب و قانون اساسی است که بر ترکیب نکردن فعالیت حزبی و فعالیت در قالب جمعیت‌ها تأکید دارد.

برخی از پژوهشگران بر این باورند که تصمیم النهضهٔ که سیاست‌مدار سالخورده‌ای چون «راشد الغنوشی» آن را رهبری می‌کند، مبنی بر دوری از اسلام سیاسی می‌تواند تلاشی از سوی آن جریان برای دوری از اخوان‌المسلمین و وابستگی‌های آن قلمداد شود. این موضوع می‌تواند به‌عنوان ارزیابی مجدد النهضهٔ و تسهیل راه برای آن جنبش به منظور مشارکت در توسعه سیاسی تونس قلمداد شود. رهبری النهضهٔ تصمیم دارد تا تصویر ارائه‌شده از آن جنبش را تغییر دهد و می‌خواهد با سایر بازیگران سیاسی در داخل تونس و در عرصه بین‌المللی همکاری بیشتری داشته باشد. بنابراین، با در نظر داشتن ناکامی‌های النهضهٔ در این دو سال، در قدرت و همچنین فشارهای فزاینده رقبای النهضهٔ در داخل تونس مبنی بر سرکوب و اعلام غیرقانونی شدن فعالیت‌های آن (مانند نمونه اخوان در مصر) همچنین تمایل النهضهٔ برای بقا و شرکت در انتخابات شهرداری‌ها در ماه مارس ۲۰۱۷م و انتخابات ریاست جمهوری، اعضا و رهبران النهضهٔ در راستای عمل‌گرایی تصمیم به تغییر ماهیت داده‌اند (Abdallah, 2016 :۱)[2]

مخالفان و رقبای النهضهٔ چه در تونس و چه در خارج از این کشور، تغییر کنونی را تاکتیکی دانسته و بر این عقیده‌اند که همان‌گونه که اخوان المسلمین مصر با جریان‌های

۱. دولت ترورییکا: متشکل از حزب النهضه، حزب (کنگره) الجمهوریه (۲۹ عضو و چهار وزیر) جناح دموکراسی برای آزادی.
۲. برای مطالعه بیشتر به نشانی ذیل مراجعه فرمایید.
aspx.99%80%98Tunisiafication%E2%80%Ennahda-chooses-%E2/19/http://weekly.ahram.org.eg/News/16439

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

تروریستی و خشونت‌طلب در صحرای سینا ارتباط دارند، النهضهٔ تونس نیز با اقدامات تروریستی در چند سال گذشته در تونس مرتبط است. به همین دلیل برای تبرئه کردن خود دست به اقدام تاکتیکی زده است (ذاکری،۱۳۹۵:۳)[۱].

اگرچه «حزب النهضهٔ» به سوی تونسی‌شدن حرکت کرده اما هنوز نمی‌توان آن را جدا از اخوان‌المسلمین دانست. النهضهٔ به گفته راشد الغنوشی «از جریان اسلام سیاسی خارج و از یک جنبش عقیدتی به یک حزب سیاسی تبدیل شده»، اما برای اقناع طرف‌های سیاسی داخلی اعم از رقبا و مشارکت‌کنندگان در حکومت همچنان با چالش‌های جدی مواجه است. النهضهٔ قرار است پس از این در قالب یک حزب، تنها به فعالیت سیاسی بپردازد و بقیهٔ عرصه‌ها را به جامعه مدنی بسپارد. از این‌رو، آن را دیگر نه یک جنبش عقیدتی، بلکه باید یک حزب سیاسی مدنی نامید. اما تغییر هویت از عقیدتی به مدنی نمی‌تواند در سال‌هایی اندک انجام شود بلکه نیازمند زمان و مناقشات عمیق برای رسیدن به ثبات و پختگی است[۲](الوقت،۱۳۹۵:۳).

قدرت‌گیری اخوان‌المسلمین در مصر و ائتلاف با سلفی‌ها، این سه مؤلفه به گونه‌ای گریزناپذیر، مدعیان اسلام سیاسی را که در فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نقش‌آفرین بودند را تحت فشار قرار داد. در چنین وضعیتی بخشی از این فشارها را آن دسته از نیروهای سیاسی اجتماعی وارد کردند که از دستیابی به قدرت سیاسی در این کشور باز مانده بودند. این فشارها صرف‌نظر از صدق و کذب ادعاهایی است که این نیروها با استفاده از آنها اسلام سیاسی را مورد حمله قرار می‌دهند. (نظری، ۱۳۹٤:۲۲۰)

در مجموع باید گفت الغنوشی در حال تبدیل شدن به رهبر جناح نوگرای اخوانی است که قصد دارد نگاه خود را از هیمنه وحدت‌گرایان اخوان خارج کند و به دنبال ایجاد یک دولت مدنی است که براساس توافق مدنی با حفظ ارزش‌های مذهبی در آن می‌باشد. در حقیقت، جنبش النهضهٔ به نوعی حداقل‌گرایی معرفتی پایبند است که براساس آن، رویکردی عمل‌گرا با التزام حداقلی به ارزش‌ها و اصول اسلامی را در پیش گرفته است. اتخاذ چنین رویکردی به آنان این امکان را داده که قدرت خویش را تثبیت کرده و در جهت تداوم حیات سیاسی و توسعهٔ آن گام بردارند. در این مسیر النهضهٔ در ارزش‌ها، هنجارها و انگاره‌های هویت‌ساز

۱ برای اطلاعات بیشتر به نشانی http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1959645 مراجعه فرمایید.
۲. برای اطلاعات بیشتر به نشانی http://alwaght.com/fa/News/56894 مراجعه فرمایید:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

خود تجدیدنظر کرده و هویت و منافع جدیدی را برای خود تعریف کرده است که از جملهٔ آنها اعلام جدایی از اخوان و تبدیل از یک حرکت فراملی به حزب وطنی بوده است. چنانچه تحولات گروه‌ها و جمعیت‌های اسلام‌گرا در مراکش، تونس و تا حدودی ترکیه مورد توجه و بازخوانی قرار گیرد، به نظر می‌رسد که جریان اسلام‌گرایی برای بقا خواه و ناخواه به این سمت خواهد رفت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد النهضهٔ از زمان تأسیس، به تدریج از ایده‌هایی مانند خلافت و امت اسلامی به سوی دموکراسی، تحزب‌گرایی حرکت کرده و در حقیقت، اندیشه و عملکرد النهضهٔ نوعی عمل‌گرایی اسلامی، متأثر از تحولات و فرایندهای سیاسی داخلی و بین‌المللی است که این عمل‌گرایی در راستای تثبیت در قدرت و تداوم حیات سیاسی می‌باشد. بر همین اساس، النهضهٔ به نسبت زیادی در اندیشه، ارزش‌ها و هنجارها و انگاره‌های هویت‌ساز خود تجدیدنظر کرده است. البته باید توجه داشت که هویت و منافع جدید اخوان تونس (النهضهٔ)، دارای قرائتی متفاوت از هویت گفتمانی پیشین این جنبش بوده است. این موضوع، یعنی همراه ساختن برخی تغییرات با حفظ برخی اصول، به تداوم حیات سیاسی و موفقیت آن به خصوص در عرصه سیاسی تونس منجر شده است. مواضع اخیر این حزب در کنگره یازدهم جنبش النهضهٔ شامل: تفکیک بُعد سیاسی از بُعد دینی، تعلیق رابطه با اخوان‌المسلمین مصر، اولویت منافع ملی تونس بر منافع جنبش اخوان‌المسلمین را می‌توان در چارچوب عمل‌گرایی ارزیابی کرد. در واقع، النهضهٔ پس از واگذاری حکومت، خود را نیازمند بازنگری در تجارب گذشته و تطبیق و سازگاری با شرایط جدید می‌داند. همزمان، النهضهٔ با توجه به تجربه اخوان در مصر، آینده‌ای برای اسلام سیاسی در تونس و برای این جنبش در جهان اسلام قائل نیست. از سوی دیگر، افزایش افراطی‌گری و تحرکات نیروهای اسلامی سلفی و تکفیری، که با زمامداری دولت ترویکا توسط النهضهٔ همزمان بود، انتقادهایی را نسبت به این جنبش برای میدان دادن به این جریان به همراه داشت. افزایش تحرکات این جریان به ویژه در تونس، النهضهٔ در چارچوب حداقل‌گرایی معرفتی را به عنوان یک جنبش اسلامی میانه‌رو به فاصله گرفتن از آنها و حرکت به سوی تغییر و سازگاری بیشتر با محیط و نزدیکی به دیگر احزاب سوق داد. در پایان باید به تمایل النهضهٔ برای بازی در چارچوب قانونی تونس و به طور مشخص قانون احزاب و قانون اساسی این کشور اشاره کرد که بر عدم ترکیب فعالیت حزبی و فعالیت در قالب جمعیت‌ها تأکید دارد.

این مسائل، در نهایت بازخوانی النهضهٔ از هویت و منابع فکری خود را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. عبور از این مسیر، هویت النهضهٔ را از هویتی اخوانی به هویتی تونسی سوق داد. تاکنون مناقشات زیادی درباره هویت فکری النهضهٔ و به تبع آن وفاداری این جنبش وجود

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

داشته که نتیجه آن مسیر آینده النهضهٔ و تغییر چهره آن در نگاه طرف‌های سیاسی داخلی و جامعه بین‌المللی را مشخص خواهد کرد. در واقع، در حال حاضر، النهضهٔ در راستای عمل‌گرایی سیاسی، از ایده خلافت اسلامی به نظریه حکومت اسلامی در چارچوب منافع ملی و سپس حکومت دموکراتیک تحول ایدئولوژیک داشته است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

منابع

ابراهیم، محمد و دیگران (۱۳۸۵). *جنبش اسلامی*. ترجمه جواد اصغری. تهران: اندیشه سازان نور. چاپ اول.

ابراهیم نیا، حسین (شهریور ۱۳۹۲). *جنبش تمرد در تونس*. وبگاه پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

اسکندری، مهدی (۱۳۹۵). *النهضهٔ تونس؛ از «حرکت» تا «حزب»*. اندیشکده راهبردی تبیین.

اسماعیلی، مصطفی؛ عوض‌پور، مهدی (۱۳۹۱). *اسلام سیاسی در تونس از مشت آهنین بن علی تا انقلاب یاسمین*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

اشرف نظری، علی؛ صیادی، محمد (۱۳۹٤). "اسلام‌گرایی، پراگماتیسم و کنش سیاسی در مصر پساانقلابی از سال‌های ۲۰۱٤ تا ۲۰۱۱". *پژوهشنامه علوم سیاسی*. سال دهم. شماره سوم.

بشیریه، حسین (۱۳۸٤). *آموزش دانش سیاسی(مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)*. چاپ پنجم. تهران: نگاه معاصر.

البنا، حسن (۱۹۷۸). *منبر الجمعه (مجموعه احادیث الجمعه المنشوره بجریده الاخوان المسلمین الیومیه*. اسکندریه: دارالدعوه.

بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸٦). "اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی معاصر". *پگاه حوزه*. شماره ۲۰۹.

داورپناه، افشین (مرداد ۱۳۹۵). "سکولاریزم تونسی با واقع‌گرایی سیاسی". *ماهنامه مهرنامه*. شماره ٤۸.

ذاکری، سیدقاسم (۱۳۹۵). *النهضهٔ حرکت از ساحت ایدئولوژی به حرکت سیاسی*.

ذوالفقاری، محمد (۱۳۹۰). "بازخوانی اسلام سیاسی در تونس" *مجله پژوهش‌های منطقه‌ای*. شماره٦.

رحمانی، محمدجواد (۱۳۹۱). "تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب النهضهٔ تونس با تأکید بر افکار حضرت امام خمینی قدس سره الشریف". *مطالعات انقلاب اسلامی*. شماره۲۸.

شهمرادی، نادر (۱۳۹۵). *لهجه جدید اسلامگرایان در تونس*. روزنامه ایران۱۱/۳/۹۵.

عربشاهی، محمد (۱۳۹۵). *النهضهٔ؛ عبور از اسلام اخوانی*. روزنامه اعتماد۱۲/۳/۹۵.

علیخانی، علی‌اکبر؛ صدیقی، صابر (۱۳۸۲). "اسلام و حکومت در اندیشه راشد الغنوشی". *مطالعات خاورمیانه*. شماره ۳۳.

الغنوشی، راشد (زمستان ۱۳۸۷). "گفتگو با شیخ راشد الغنوشی اندیشمند اسلامی و رئیس جنبش نهضت تونس". *پژوهش‌های منطقه‌ای*. پیش‌شماره یک .

ـــــــــ (۱۳۹۵). *از اسلام سیاسی تا دموکراسی مسلمانان*. ترجمه مهدی حسینی. وبگاه پرو بلماتیکا.

ـــــــــ (۱۹۹۳). *الحریات العامه فی الدوله الاسلامیه، مرکز دراسات الوحده العربیه*. ط۱. بیروت لبنان.

ـــــــــ (۱۳۹۵). *دگردیسی سیاسی در النهضه تونس*. ترجمه محمد عباسی. روزنامه ایران ۳/۱۱/۹۵.

ـــــــــ (۲۰۱٦). *الغنوشی: اقتربت لحظهٔ الفراق بینی و بین "الاخوان‌المسلمین"* . الموقع الحیات الجدیده، ۱۵/۵/۲۰۱٦.

فرمانیان، مهدی (۱۳۹۲). *پراکندگی سلفی‌گری و وهابیت در جهان اسلام*. قم: مؤسسه مطالعات بنیان دینی.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

فوزی، یحیی؛ هاشمی، سیدعباس (۱۳۹۲). "جریان‌های سلفی در تونس و راهبردهای جریان اسلام‌گرای النهضة". *مطالعات راهبردی جهان اسلام*. شماره٥٦.
فیرحی، داوود (مرداد ۱۳۹۵). "جدایی دعوت از دولت". *ماهنامه مهرنامه*. شماره٤٨. سال هفتم.
مروة، محمود (٢٠١٦). "راشد الغنوشی... قرار خریف العمر". *الاخبار*. العدد ٢٨٩٣. الثلاثاء ٢٤ أیار .
موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۵). *نیم نگاهی به اسلام سیاسی در تونس*. وبگاه شافعی نیوز.
نبوی، سیدعبدالامیر (١٣٨٤). "اسلام سیاسی در مصر: گذار به حداقل‌گرای سیاسی". *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*. سال داوزدهم. شماره ۱.
ـــــــــ (۱۳۹۰). "اسلام‌گرایی و واکاوی تنوع درونی آن". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی*. شماره اول.
ـــــــــ (خرداد ۱۳۹۵). *"تجدیدنظر النهضه؛ آغاز یک مرحله تاریخی در حیات اسلام گرایی"*. پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

منابع لاتین:

Alexis Arieff (2012). *Political Transition in Tunisia*. Analyst in African Affairs. Congressional Research Service

Alexander, Christopher (2010). *Tunisia: stability and Reform in the Modern Maghreb*. Routledge.

Filiu, Jaen-Pierre (2011). *The Arab Revolution*. Hurst Company London.

Tibi, Bassam (2003). *Post – Bipolar order in crisis: the challenge of Politicized Islam, in Bryan s.* turner (ed.). Islam: critical concepts in sociology. Vol II. Routledge

Roy, Olivier (2012). *Arab Society in Revolt*. Washington: Brookings.

Ghannushi and Turabi (1981). *Al harakat Al-Is Ghannouchi.Rached, From Political Islam to Muslim Democracy*. Foreign Affairs. September/October 2016. https://www.foreignaffairs.com/articles/tunisia/political-islam-muslim-democracy(last accessed 2015/08/25)

Kohut, Andrew (July 2012). *Most Muslims Want Democracy, Personal Freedoms, and Islam in Political Life*. Few Believe U.S. Backs Democracy.p33. Pew Research Center's Global Attitudes Project www.pewglobal.org (last accessed 2015/08/25).

Abdallah, Kamel (2016). *Ennahda chooses 'Tunisiafication*'.

http://weekly.ahram.org.eg/News/16439/19/Ennahda-chooses-%E2%80%98Tunisiafication%E2%80%99.aspx (last accessed 2016/12/17)

CARYL, CHRISTIAN (2016). *Why Does Tunisia Produce So Many Terrorists?*.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

http://foreignpolicy.com/2016/07/15/why-does-tunisia-produce-so-many-terrorists-nice-france-truck-terrorist-attack/

Vidino, L. (2011). *Egyptian crosscurrents: the Muslim Brotherhood and democracy on the Nile*. Homeland Security Policy Institute.

Moniquet, Claude (2013). *The involvement of Salafism-Wahhabism in the support and supply of arms to rebel groups around the world*. CEO, European Strategic Intelligence and Security Center (ESISC), Belgium.

منابع اینترنتی:

http://www.fa.merc.ir/View/tabid/127/ArticleId/2138/.aspx

http://donya-e-eqtesad.com/news/

file:///C:/Users/1261926366/Downloads/A4-2184.pdf

http://www7.irna.ir/fa/News/81366899

http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1959645

http://www.etemaadonline.ir/news/news/127034

http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/128720 %

iran-newspaper.com/Newspaper/BlockPrint/133840

http://problematicaa.com/file/10/2016

http://shafeinews.ir

http://puyesh.net/fa/news/74121

http://www.alhaya.ps/ar_page.php?id=15013c8y22025160Y15013c8#sthash.NO6yRKTj.dpuf

http://www.iran-newspaper.com/?nid=6226&cattitle=Polotic&pid=13&type=0

http://foreignpolicy.com

http://al-akhbar.com/node/258454

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

آجیلی، هادی؛ بیکی، مهدی (۱۳۹۵)، «واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان‌المسلمین تونس(النهضه)»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۶، ش۱، بهار ۹۵، صص ۱-۲۸.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]